غروب و کوهستان

والتر اسکات

سعیدی

امواج غ ربی روز در دره و دشت به جزر و مد آمده هرقله از غوانی و هر صخره مرتفعی را در سیل آتش فروزان شست‏وشو میداد اما یک فروغ تابنده هم از اشعهء آفتاب غورب در مغازه‏های ژرف تحتانی که‏ از هر جانب با سنگها و صخره‏ها محاصره شده بودند نمی‏تابید

قلل صخره‏ها از هر طرف شکاف خورده و شاخه شاخه شده‏ برجها و گنبدهائی تشکیل میدادند و از دور مانند مساجد مشرق زمین‏ و معابد بت‏پرستان که با مناره‏ها و گلدسته‏ها زینت میشوند جلوه‏گری‏ میکردند-این قلاع و قصور طبیعی بکلّی ساده و عریان نمانده و از بیرقها و علامات نیز بی‏نصیب نبودند:گلهای سرخ خود رو با قطرات‏ ژاله شفاف دامنه سراشیب آنها را پوشیده و هزاران بوته گیاه‏ بانواع و الوان مختلف از اطراف و حواشی بیرون دمیده و از وزش نسیم‏ شامگاهی در اهتزاز بودند

-2-

طبیعت نیک نما و فرزندان کوهسار را از ریاحین و ازهار آزاده‏ و آر در اطراف پراکنده ساخته:این طرف امحوان و شقایق فضا را عطر اگین نموده و آنطرف شوک و مغیلان سر در کنار هم نهاده-بنفشهء کبود رنگ نشانه غرور و سیاست در کنار هم رسته و بوته و شاخ هریک از تنفس بید و زبان گنجشک بلرزه و جنبش آمده،نارون تناور و بلوط جنگاور سر باسمان کشیده و بر صخره‏ها لنگر انداخته-صنوبر افراخته قد قامت خود را از آنها فراتر کشیده و با شاخ و برک خویش‏ بر اطراف سایه گسترده،ولی بالاتر از همه آنجا که قله‏های سپیدپوش‏ جلوه‏گری میکردند و انوار و اشعه فروزنده موج زده و میلرزیدند آسمان لاژوردی تابستان دیده نظارگیان را بخود معطوف میساخت

منظره چنین سحرانگیز تنها بمناظر فریبنده رویای شیرنی‏ شباهت میتوانست داشت و بس

-3-

صیاد برای خروج از دره هیچ راهی را بنظر نمیاورد مگر آنکه‏ آهسته و با احتیاط از پرتگاه مرتفعی بالا رفته و از سمت دیگر آن فرود آید-بدین قصد ریشه‏های جاروب و ساقه نباتات دیگر را که در دامنه‏ آن رسته بودند نردبان قرار داده و باستعانت بوته‏ها و علفها از پرتگاه‏ بالا رفت و بر قله مرتفع آن ایستاده باطراف نظر انداخت:

دریاچه وسیعی که در زیر پای او دراز کشیدهد بود در زیر اشعه‏ یاقوتی آفتاب غروب مانند یک پارچه طلای گداخته جلوه میکرد و جزیره‏ها و دماعه آن نیز برنک ارغوانی شفاف رنک‏آمیزی شده میدرخشیدند

کوهسارها مانند پهلوانانی قوی هیکل به دیده‏بانی این سرزمین‏ سحرانگیز قیام کرده بودند:

در انتهای جنوبی جبال(بن ونو)سر باسمان کشیده و جنگلها و بیشه‏های انبوه قله سالخورد و دامنه‏های خاسکتری رنک آنرا مانند پر میپوشیدند-در سمت شمال نیز کوهستان(بن آن)پیشانی عریان‏ خویش را در وسط فضا برافراشته و جلوه‏گری میکرد